

جشنوارهٔ فیلم فجر یکی از مهم‌ترین فستیوال‌های سینمایی دنیاست که در شرایط سخت هم پابرجا بوده

فجر تعطیلی ندارد



می‌گویند فرهنگ در هنگام نزاع، بیماری‌های سهمگین و اتفاقات داخلی، اولین قربانی است. این سخن بی‌راه و کزافی نیست که بتوان با مثال‌های نقض فراوان به بی‌اعتباری آن دست یافت. هر وقت روند دنیای مدرن با وقوع جنگ، بیماری و اعتراضات متوقف یا کند شده، نفس فرهنگ هم حداقل در کوتاه‌مدت یا در بعضی مواقع بلندمدت به‌شماره افتاده است. اما یک مثال در ایسن میان وجود دارد که تمام معادلات را به‌هم می‌زند و نگاه‌ها را در کمال تعجب به خود جلب می‌کند. تاکنون چهل‌وسه دور از جشنواره فجر برگزار شده و چهل و چهارمین دوره این رویداد از چند روز دیگر به میزبانی پردیس سینمایی ملت کارش را در تهران آغاز می‌کند. در نگاه نخست شاید رسیدن عمر این فستیوال به ایام میانسالی اتفاق خاصی نباشد و نظرها را به سمت خویش بازنگرداند، اما اگر بدانید که در موارد مشابه، غرب عالم تمام کسب‌وکار هنری‌اش را برای موفقیت در امور دیگر تعطیل می‌کند، ارزش به فعلیت رساندن جشنواره‌ای ملی در قامت فجر برایتان بیش از پیش مشخص می‌شود. سینما و به‌طور کل هنر مدرن نسبتی با ایران ندارد و ما علی‌القاعده باید در نقش یک مصرف‌کننده صرف حضور خود را تعریف کنیم، اما فهم انقلاب اسلامی از دریچه مسائل به‌ظاهر کم‌اهمیت ممکن می‌شود و به‌مرور عمق پیدا می‌کند. سینمای ایران به شکل عام و جشنواره فیلم فجر به‌صورت خاص حکم آلتر ناتيو جهان غرب را ایفا می‌کنند و عجیب نیست که در مواقع استثنایی الگوی رفتاری متفاوتی داشته باشند. بحث در مورد اقتصاد سیاسی جالب و بدون مابه‌ازای سینمای ایران –که نسبتی با صنعت و مسائلی از این دست ندارد- را اگر فاکتور بگیریم، محتوای فیلم‌های ایرانی در نقطه مقابل جهان مادی قرار می‌گیرد و انتخابی اخلاقی را پیش روی مخاطب می‌گذارد، اما در سطح سخت‌افزاری، جشنواره فیلم فجر نیز در همه این سال‌ها روندی متفاوت

«فرهیختگان» اسامی آهنگ‌سازان حاضر در چهل وچهارمین جشنوارهٔ فیلم فجر را بررسی کرد

در انتظار معرفی مجید انتظامی‌ها



موسیقی فیلم یکی از مهم‌ترین بخش‌های اثر یک سینمایی است؛ بخشی که شاید نسبت به انتخاب کارگردان و بازیگر کمتر دربارهٔ آن صحبت‌شود، اما روی دیلم‌شدن اثر تأثیر جدی و بسزایی می‌گذارد. موسیقی می‌تواند حال‌وهوای صحنه‌ها را شکل دهد، احساسات تماشاگر را هدایت کند و حتی معنا و عمق تازه‌ای به تصاویر ببخشد. خیلی وقت‌ها این موسیقی است که یک صحنه معمولی را به لحظه‌ای ماندگار تبدیل می‌کند.

در طول ۳۰ سال برگزاری جشنواره فیلم فجر، برای موسیقی فیلم، به‌عنوان یک‌بخش مستقل، جایزه در نظر گرفته‌شده که این موضوع نشان می‌دهد، از همان سال‌های ابتدایی، اهمیت موسیقی در کنار تصویر و روایت جدی گرفته شده و نقش آن در موفقیت فیلم ایکنکارناپذیر بوده‌است.

موسیقی فیلم در واقع به‌ثر شاخ‌وبرگ می‌دهد و آن راننده می‌کند. بدون موسیقی، بسیاری از فیلم‌ها بخشی از احساس «هیجان یا اندوه خود را از دست می‌دهند. یک ملودی در دست می‌تواند ترس را عمیق‌تر، عشق را باورپذیرتر و سکوت را معنادارتر کند. حتی گاهی موسیقی بیشتر از دیالوگ‌ها در ذهن مخاطب باقی می‌ماند. برای مثال وقتی حرف از موسیقی می‌شود، نام مجید انتظامی بدون هیچ مکثی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. از «دونل» گرفته تا «آژانس شیشه‌ای» و… لحظاتی که این هنرمن با چوب جادویی‌اش به کمک فیلم در ذهن مخاطب خاطر‌های ماندگار را رقم زده‌است.

بابک بیات، ناصر چشم‌آذر، حامد ثابت، کارن همایون‌فر، محمدرضا علیقلی،

شاهسواری، دبیر جشنواره ملی فجر در نشست خبری عنوان کرد

پای جشنواره ایستاده‌ایم



اوایل دهه شصت است و کشور درگیر جنگ. شرایط زندگی مردم عادی نیست و هر تصمیم، زیر نگاه و قضاوت قرار می‌گیرد. در چنین فضایی، مدیران فرهنگی باید با دقتی دوچندان تصمیم بگیرند. در همان روزها، مدیری که دل‌نگران روایت و تصویر است، به این نتیجه می‌رسد که سینما را نمی‌شود به تعویق انداخت و ستون‌های مهم‌ترین جشنواره سینمایی کشور را به‌گذاری می‌کند. طبیعی است که در آن شرایط، صداهایی بلندشود و پرسنر سینما چه اولویتی دارد؛ اما تاریخ و فرهنگ نشان داده‌همیشه کسانی هستند که تصمیم‌هایشان فقط برای امروز نیست.

در همان سال‌ها، محمد بهشتی که مسئولیت شکل دادن به ساختار تازه سینمای بعد از انقلاب را بر عهده گرفته بود، از ضرورت زنده ماندن روایت گفت؛ از اینکه فرهنگ، حتی در سخت‌ترین روزها، اگر متوقف‌شود، بازسازی‌اش دشوارتر از اقتصاد خواهد بود. از دهه شصت تا امروز، این روزهای سخت و متفاوتی را از سر گذرانده است و همان‌چرخه‌ها باعث شده تا پایه‌های مهم‌ترین جشنواره هنری –فرهنگی ایران محکم باشد. اگر امروز ذریه‌بن به دست بگیریم، میان شرایط فعلی و آن سال‌ها، شباهت‌های کم‌اهمیتی پیدانی کنیم. در میان همین شباهت‌هاست که گاهی بعضی چهره‌ها یا نحوه تصمیم‌گیری و هدایت، دیده می‌شوند و در ذهن‌ها ماندگار می‌شوند.

وطن را باید حفظ کرد

وقتی سخن از وطن به میان می‌آید، ناگهانی در ذهن زنده می‌شوند که دوست‌داشتن این سرزمین را نه در حرف که در عمل معنا کرده‌اند. وطن فقط یک جغرافیا نیست؛ مجموعه‌ای است از جان‌هایی که برای ماندنش هزینه‌داده‌اند. دیه‌ما، اسلح، این‌ناهما و این فقدان‌ها دوره‌ها پررنگ شدند و سنگینی‌شان روی فضای عمومی کشور نشست. منوچهر شاهسواری هم مانند بسیاری از مردم ایران، در آغاز نشست خبری جشنواره، با ابراز اندوه نسبت به مسائل کشور گفت: «امیدوارم همه ما با عشق به سرزمین، فرهنگ و هنر، روز خوبی را آغاز کنیم. شرایط اجتناب‌ناپذیر حاکم بر جامعه، ما را به همدردی با همه کسانی می‌کشاند که جان‌های خود را از دست داده‌اند؛ جان‌هایی که می‌توانستند در مسیر رشد و پیشرفت آینده این سرزمین مؤثر باشند. هر قطره خون ایرانی، در هر

را در مواجهه با دیگری غربی‌اش طی کرده و در ایام جنگ، ناآرامی‌های داخلی و پاندمی کرونا برگزار شده است.

جنگ آن‌ها، جنگ ما؛

روایت شکست، روایت پیروزی

ماشنسین جنگی هیتلر که روشن شد، اردو اولین قربانی‌اش که همان فرهنگ و هنر باشد را ثثار امنیت خود کرد. چندسالی می‌شد که جشنواره فیلم کن و جشنواره فیلم ونیز نیز کار خود را آغاز کرده بودند و شکل ارائه آثار سینمایی به مخاطبان جدی‌تر، داشت با تغییراتی اساسی به پیش می‌رفت، ولی شنیده‌شدن ناقوس جنگ در ابتدای سپتامبر ۱۹۳۹ تمام معادلات را به یکباره عوض کرد. اولین قربانیان «جادوگر شهر آژ» ساخته «ویکتور فلمینگ»، «تنها فرشتگان بال دارند» به کارگردانی «هاوارد هاکس» و «اتحادیه پاسیفیک» اثر «سیسیل بی. ذمیل» بودند و نتوانستند به‌عنوان فیلم‌های برگزیده، خودی در این فستیوال نشان دهند، چون در اثنای یک توقف ده‌روزه بسیج عمومی آغاز شد و سینما به امری علی‌السویه بدل گردید. پیش از برگزاری فستیوال فیلم کن، فرانسه از آلمان و ایتالیا هم برای شرکت در جشنواره دعوت به عمل آورد تا جمع کشور‌های حاضر به یازده برسد، اما آلمان هیتلری و ایتالای موسولینی دست رد به سینه «ژرژ هو بسمن» به‌عنوان مدیر خانه اپالنی هنر‌های زیبا زدند و در مهمانی شرکت نکردند تا جشنواره کن پس از نمایش خصوصی فیلم «گوژپشت نوتردام» اثر «ویلم دیترله» و قرار گردشگران تا سپتامبر ۱۹۴۶ در خواب زمستانی فرو رود. جشنواره فیلم ونیز در مقام قدیمی‌ترین فستیوال سینمایی دنیا با ورود به عصر موسولینی تغییر ماهیت داد و نهمین دوره‌اش را به‌شکل متفاوتی برگزار کرد. این رویداد از سسی‌ام آگوست تا چهاردهم سپتامبر ۱۹۴۱ تحت محدودیت‌های ناشی از جنگ جهانی دوم با نظارت فاشیست‌های ایتالیایی در ونیز استارت خورد. شرکت آثار در آن دوره تنها در صورتی ممکن بود که فیلم‌ها و صاحبانشان برادری خود را برای دولت‌های محور به اثبات می‌رساندند، وگرنه شانس برای سفر به این شهر نداشتند. با

بحرانی‌شدن موقعیت آلمان و ایتالیا در جنگ، جشنواره فیلم ونیز هم به اغما فرو رفت تا با پایان ماجرا در سال ۱۹۴۵ و ورود به سال بعد، حیات دوباره‌اش را جشن بگیرد. بعد از جنگ، مسئولان بعدی، دوره‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۲ را به رسمیت نشناختند و از شناسنامه جشنواره ونیز حذف کردند.

در نقطه مقابل کن و ونیز و در یک موقعیت مشابه جشنواره فیلم فجر قرار دارد. این رویداد بعد از چندسال وقفه از پیروزی انقلاب اسلامی در عمل جایگزین جشنواره فیلم تهران شد و دهه فجر را به نام خودش سند زد. مسئله‌ای که در مورد تولد این رویداد اهمیت دارد شکل‌گیری نطفه آن در روزهای دفاع مقدس است. درحالی‌که فرهنگ در مواقع بحرانی تعطیل می‌شود و کمتر کسی به دلایل اهمیت آن اشاره می‌کند، جوانان انقلابی ایران به فکر ایجاد یک پایگاه فکری برای جنگ نرم علیه دولت بعثی و حامیان غربی و شرقی‌اش بودند. نکته جالب در مورد دوره‌های ابتدایی فستیوال فیلم فجر کیفیت آثار موجود در بخش‌های آن و مقایسه با حال نزار جشنواره ونیز است که رویداد ملی ایرانیان را متفاوت جلوه می‌دهد. حرف بی‌ریطی بیان نکرده‌ایم اگر بگوییم بهترین روزهای جشنواره فجر مربوط به دهه شصت و ایام دفاع مقدس است. بسیاری از فیلمسازان شاخص ما در دهه‌های بعد مانند «ابراهیم حاتمی‌کیا»، «مسعود جعفری جوزانی»، «رسول صدرعاملی» و… در همین دهه کار خویش را به‌عنوان فیلمساز، نو پسنده و عوامل پشت‌صحنه آغاز کردند و پدر فرهنگ را در زمین حاصل خیز هنر انقلاب کاشتند؛ دقیقاً بر خلاف جشنواره‌های به‌اصطلاح معتبر اروپایی که با اولین تیر تنگ، کاروکاسبی‌شان را تعطیل کردند و پشت نگاتیو سنگر گرفتند.

کرونا، اعتراض و داستان‌های دیگر…

باز هم فرانسه، باز هم کن. سال ۱۹۶۸ است و اعتراضات کارگران و دانشجویان، سراسر کشور ناپلئون و پائزا که را در بر می‌گیرد. کشور غرق در درگیری می‌شود و آماده یک جنگ داخلی است. از طرف دیگر و چندماه قبل از این جریان و وضعیت فرهنگ و سینما هم متلاطم است و وزیر فرهنگ فرانسه، بنیان‌گذار سینما تک پاریس، یعنی «هانری لانگلو» خوره فیلم را از سمتش برکنار می‌کند

موسیقی فیلم‌های «قص باد» به کارگردانی سیدجواد حسینی و «قایق سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی به عهده ستار اورگی است. کارن همایون‌فر هم که سال گذشته برای فیلم «باشند» به کارگردانی نانش اقباشاوی سمیرغ گرفته‌بود، امسال موسیقی فیلم‌های «حاشیه» به کارگردانی محمدعلیزادعفر و «غبار میمون» به کارگردانی آرش میرعیان را می‌سازد.

سروش انتظامی که احتمالاً ساخت موسیقی را از پدرش آموخته هم امسال در جشنواره حضور دارد. او برای فیلم‌های «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و «مارون» به کارگردانی امیراحمد انصاری، موسیقی می‌سازد و در این رویداد فرهنگی هنری رقابت می‌کند.

محمدداودی کارگردان «اردو بهشت» و محمدجواد حکمی کارگردان «وغظور» هم ساخت موسیقی فیلمشان را به حسام‌ناصری سپردند.

حامد ثابت که در سی و یکمین جشنواره فجر برای «برلین ۷» به کارگردانی رامتین لوفانی سمیرغ بهترین موسیقی متن را گرفته بود، امسال با فیلم‌های «قص پرواز» به کارگردانی احمد مرادیپور و «خواب» به کارگردانی مانی مقدم در حوزه موسیقی رقابت می‌کند.

کریستوفر رضاعی که در سال‌های گذشته برای ۳ فیلم نامزد شد و برای فیلم «نگار» در سال ۱۳۹۵ سمیرغ گرفت، امسال با ساخت موسیقی فیلم برای «استخر» به کارگردانی سروش صحت در جشنواره فجر حضور دارد.

موسیقی متن فیلم سینمای «کیس» به کارگردانی محسن جسور را بهزاد عبدی می‌سازد. او سال ۱۳۸۸ سمیرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را برای موسیقی فیلم «آل» و در سال ۱۳۹۳ این دویم بار، سمیرغ بلورین را برای فیلم «مزار شریف» دریافت کرد. سارا توسلیان یکی از خانم‌های آهنگساز حاضر در جشنواره امسال

تا آتش خشکم زیر خاکستر قرار گرفت هنر مندان منظر شعله جدید در ماه مه باشد. سه ماه بعد، بیست و یکمین دوره فستیوال فیلم کن با نمایش «برباد رفته» اثر «ویکتور فلمینگ» افتتاح می‌شود. دامنه اعتراض به کن می‌رسد و انجمن منتقدان فرانسه از حضار می‌خواهند تا در روز ۱۳ مه به تظاهرات بپیوندند؛ اتفاقی که منجر به تصرف کاخ جشنواره توسط جمعی از مشهورترین چهره‌های تاریخ سینما نظیر «ژان لوک گدار»، «فرانسوا تروفو» و «لویی مال» می‌شود و دست مسئولان امر را در پوست گردو می‌گذارد. فستیوال در آن روزها لغو می‌شود تا جشنواره کن پس از سال‌های جنگ جهانی دوم بار دیگر طعم تلخ تعطیلی را بچشد. ایران از دوران پیروزی انقلاب اسلامی به این طرف –اگر حتی جنگ تحمیلی هشت ساله را فاکتور بگیریم – روزهای سختی را پشت سر گذاشته و با اعتراض و اغتشاش و حتی اقدامات کور و محاسبه‌شده تروییستی آن‌هم با پوشش‌های متفاوت بیگانه نبوده، اما همه این‌ها باعث نشده تا جشنواره فیلم فجر حتی برای ساعتی تعطیل شود. از اتفاقات سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، جمعی همیشه بر طبل جدایی و به‌اصطلاح خودشان «تحریم» کوبیده‌اند، اما نه‌تنها به جایی نرسیده‌اند، بلکه به‌مرور در نقطه‌ای حاشیه‌ای از تاریخ فرهنگ و هنر کشورشان قرار گرفته‌اند.

همه‌گیری کرونا جان‌های زیادی را گرفت و روند معمول زندگی را حتی شدیدتر از وقایعی نظیر جنگ تحت تأثیر قرار داد و زیر ضرب گرفت. طبیعتاً افتتاح فستیوال‌های سینمایی در این موقعیت نمی‌تواند کمافی السابق ادامه پیدا کند و نیاز به توضیح نیست که بسیاری از برنامه‌ها در چنین شرایطی تعطیل و گاه به‌زمان دیگری موکول می‌شوند. هفتادوسمین جشنواره فیلم کن به ریاست «اسپایک لی» هم با توجه به پاندمی کرونا باز هم به نتیجه رسید تا پس از پنجادو سال از زمان جشنش ه ۱۹۶۸، شروع نشده به پایان خودش سلام کند، درحالی‌که جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برگزار شد و حتی غول کرونا هم نتواست منچش را بخواباند. به جز کن، می‌توان به فستیوال هنری آوینیون، جشنواره موسیقی کلاسنتری و جشنواره فیلم تلوراید آمریکا را هم اشاره کرد که در یکه‌تازی کرونا برنامه‌های خود را در همان ایام لغو کردند.



است. او موسیقی فیلم «یلپورد» به کارگردانی سعیددشتی را ساخته است. در کنار اوصاباندایی هم موسیقی فیلم «کافه سلطان» به کارگردانی مصطفی زراق‌زیمی را می‌سازد. امیرحسین اکبرشاهی با موسیقی متن فیلم «جهان مبهم هات» به کارگردانی مجید رستمگار و نیما امین با فیلم «حال خوب زن» به کارگردانی مهدی بزرگی در این رویداد رقابت می‌کنند. رضا مرتضوی در سال ۱۳۸۴ جایزه

آهنگسازی بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر را کسب کرده، او امسال هم با ساخت موسیقی فیلم «خجستانگی که در جنگ ملاقات کرده‌ام» به کارگردانی تهیه‌کنندگی امیرشهاب رضویان در این رویداد حضور دارد.

سهند مهدی‌زاده برای فیلم «دختر پری خانم» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا معتمدی موسیقی می‌سازد تا برای دریافت سمیرغ بلورین آهنگسازان پیش‌کسوت و جوان رقابت کند.

امیرحسین تقی، کارگردان تهیه‌کننده «زندگی کوچک» در این راستا سراغ مسیح سروش رفته و آهنگسازی فیلمش را به او سپرده‌است. محمد جعفری هم قرار است در این رویداد فرهنگی هنری، با ساخت موسیقی فیلم «کوچ» به کارگردانی محمد اسفندیاری حاضر شود. هنوز نامی از آهنگساز فیلم‌های «خیابان جمهوری» به کارگردانی منوچهر هادی و «زندেশور» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کاظم دانشی مشخص نشده و باید دید این کارگردان چه کسی را برای ساخت موسیقی فیلم خود انتخاب می‌کند. با نگاهی به اسامی ذکرشده، ۲۰ آهنگساز در جشنواره فجر چهل و چهارم با یکدیگر رقابت می‌کنند. در این میان اسامی آشنایی چون مسعود سخاوت‌دوست، سید خضایی‌فر، سهراب پورناظری، کارن همایون‌فر، ستار اورکی، کریستف رضاعی، بهزاد عبدی، حامد ثابت و سروش انتظامی به چشم می‌خورد. در این میان دو آهنگساز خانم هم در این رویداد حضور دارند.



شد. او با گرامیداشت یاد سیف‌الله داد، بانی بخش مردمی جشنواره، گفت: «جایزه ویژه تماشاگران در جشنواره فیلم فجر یکی از مختصاتی است که کمتر نمونه‌اش را در جای دیگر می‌بینیم. سال گذشته خود مسئول بومد و مکن بود با اختلافی بسیار ناچیز، فیلم دیگری برنده‌شود، اما انصاف حکم می‌کرد همان فیلمی که رأی آورد اعلام‌شود؛ هر چند فاصله آرا بسیار کم بود.» شاهسواری در باره تغییر ساز و کار امسال توضیح داد که مسئولیت این بخش به‌خانه سینما سپرده‌شده و در عین حال به محدودیت‌های موجود هم اشاره کرد: «نگرانی‌هایی در باره شرایط اینترنت وجود دارد. تلاش کردیم به شیوه‌های سنتی برگردیم، چون مشارکت را بالا می‌برد، اما در شرایط فعلی امکان اجرای کامل آن شیوه وجود نداشت. اجرای آن نیازمند نیروی آموزش‌دیده و آماده‌سازی طولانی مدت است. با این حال، امسال هم سمیرغ مردمی خواهیم داشت.»

اگر کاری می‌کنم، مسئولیتش با من است

در نشست خبری، هر خبرنگاری که نامش خوانده می‌شد، پرسشش را مستقیم از شاهسواری می‌نرسید؛ پرسشش‌هایی که عمدتاً حول تغییرات امسال جشنواره می‌چرخید؛ از جابه‌جایی کاخ جشنواره گرفته تا حذف هیئت انتخاب، تغییرات روابط عمومی و شیوه انتخاب فیلم‌ها. یکی از ویژگی‌های برجسته شاهسواری در مقام دبیر جشنواره، پذیرش کامل مسئولیت تصمیم‌هاست. او حذف هیئت انتخاب را ریسکی جدی دانست و گفت: «اینکه من مسئولیت را به هیئت انتخاب واگذار کنم، کار ساده‌ای است. اما اگر من کاری انجام می‌دهم، مسئولیتش با خود من است. حق ندارم بگیریم هیئت انتخاب فیلم‌ها را انتخاب کرده‌است.» او با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: «در این سال‌ها دیده‌ام که هیئت‌های انتخاب بارها از مسئولیت تصمیم‌ها شانه خالی کرده‌اند. از روزی اسناد منتشر شود، این مسئولیت‌گریزی‌ها روشن‌تر خواهد شد. ایده من این بود که همه فیلم‌ها دیده و بررسی شوند، بعضی حتی چندبار. من تنها تصمیم‌گیر نبودم، اما مسئول نهایی هستم و یا همه انتخاب‌ها اعضا کرده‌ام. اگر خطایی باشد، به عهده من است.» شاهسواری در پایان تأکید کرد: «حتی اگر فیلم‌های دوره‌ها را کنار بگذاریم و فیلم‌هایی را که جاندارند ببینیم، خروجی تفاوت چندانی نخواهد داشت. ترجیح می‌دهم به خاطر این اختلاف اندک، از مسئولیت‌پذیری فرار نکنم.»



سمیرغ مردمی

یکی از نشانه‌های مردمی‌بودن جشنواره فیلم فجر، سمیرغ مردمی آن است؛ بخشی که اگرچه در برخی دوره‌ها با یی‌توجهی با حاشیه همراه بوده، اما همواره ازغدغه‌های جدی مردم و اهالی رسانه به‌شمار می‌آید. با توجه به همین حساسیت، از منوچهر شاهسواری در باره ساز و کار امسال و تلاش برای دوری از حاشیه‌های سال‌گذشته پرسیده